

مجالس رمضانی

۲۱

مجلس بیست و یکم

درباره فضیلت دهه پایانی رمضان



علامه محمد بن صالح العثیمین رحمہ اللہ

ترجمہ: حمید ساجدی



مرکز مطالعات متین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلس بیست و یکم: درباره فضیلت دهه پایانی رمضان

سپاس خدایی را که در جلال و بقا و عظمت و کبریایش بی‌همتاست، عزتی که دست‌نیافتنی است. یگانه بی‌همتا، پروردگار بی‌نیاز، و پادشاهی است که به هیچ‌کس محتاج نیست. والاتر از دسترس اوهام، باشکوه و عظمتی که عقل‌ها و اندیشه‌ها او را درک نمی‌کنند. بی‌نیاز از تمام مخلوقات خویش است، پس هر کس جز او، همواره نیازمند اوست. هر کس را که خواست، توفیق داد تا به او ایمان آورد و استقامت ورزد، سپس لذت مناجات با مولایش را چشید و خواب شیرین را ترک کرد، و با گروهی همراه شد که پهلوهایشان در طلب

مقام والایی نزد پروردگار، از بسترها دور می‌شد. آن‌ها را می‌دید که کاروان‌هایشان در تاریکی شب به راه افتاده‌اند، یکی از آن‌ها از لغزش‌هایش طلب بخشش می‌کند، دیگری از سوز دلش شکایت می‌کند، و دیگری به ذکر خدا مشغول شده و درخواست و دعا را فراموش کرده است. پس منزّه است کسی که آن‌ها را بیدار کرد در حالی که مردم در خواب بودند، و مبارک است کسی که بخشید و عفو کرد، و پوشاند و حمایت کرد، و نعمت‌هایش را بر همگان فرو فرستاد. او را به خاطر نعمت‌های فراوانش ستایش می‌کنم، و از او سپاسگزاری می‌کنم و حفظ نعمت اسلام را از او می‌خواهم، و گواهی می‌دهم که هیچ معبودی جز الله نیست، یگانه‌ای که شریکی ندارد، هر کس از او عزت جوید، عزیز می‌گردد و خوار نمی‌شود، و هر کس از طاعتش سرپیچی کند، خوار می‌گردد و گناهکار می‌شود، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، کسی که حلال و حرام را

مجلس بیست و یکم: درباره فضیلت دهه پایانی رمضان

آشکار کرد. درود خدا بر او و بر همراهش ابوبکر صدیق، بهترین همراه در غار، و بر عمر بن خطاب که به صواب توفیق یافت، و بر عثمان، صابر بر بلا و کسی که شهادت بزرگ را از دست دشمنان دریافت کرد، و بر پسر عمویش علی بن ابی طالب و بر تمام صحابه و تابعین آنان به نیکی تا زمانی که خورشید در افق غروب می‌کند، و سلامی فراوان بر آنان باد.

برادران و خواهران من: دهه آخر رمضان بر شما فرار رسیده است، دهه‌ای که در آن خیرات و پاداش‌های فراوان است و در آن فضایل مشهور و خصوصیات شناخته شده‌ای وجود دارد.

از ویژگی‌های آن این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن بیشتر از غیر آن تلاش می‌کرد. در صحیح مسلم از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دهه آخر رمضان آنگونه [برای عبادت و طاعت] تلاش می‌کرد که در غیر آن

تلاش نمی‌کرد.^۱ و در صحیحین از او روایت شده است که فرمود: هرگاه دهه پایانی رمضان فرا می‌رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کمر همت می‌بست و شب را زنده می‌داشت و خانواده‌اش را [برای عبادت] بیدار می‌کرد.^۲ و در مسند احمد از او روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیست شب [اول] را با نماز و خواب می‌گذراند، و چون دهه آخر فرا می‌رسید کمر همت می‌بست.^۳

۱- به روایت مسلم: کتاب الاعتکاف، باب الاجتهاد فی العشر الأواخر من شهر رمضان (۱۱۷۵).

۲- به روایت بخاری: کتاب فضل لیلة القدر، باب العمل فی العشر الأواخر من رمضان (۲۰۲۴)، و مسلم: کتاب الاعتکاف، باب الاجتهاد فی العشر الأواخر من شهر رمضان (۱۱۷۴).

۳- به روایت احمد (۶ / ۶۸).

این احادیث دلیلی بر فضیلت این دهه است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن بیشتر از غیر آن تلاش می‌کرد و این شامل تلاش در تمام انواع عبادت از نماز و قرآن و ذکر و صدقه و غیر آن می‌شود، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم ازار خود را محکم می‌کرد (یعنی از همسرانش دوری می‌کرد) تا برای نماز و ذکر فارغ شود، و شب را با قیام و قرائت و ذکر قلبی و زبانی و عبادت بدنی زنده می‌داشت. هم به خاطر اهمیت این شب‌ها و هم برای دریافتن شب قدر که هر کس از روی ایمان و احتساب آن را به پا دارد، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌بخشد.

ظاهر این حدیث حاکی از این است که او صلی الله علیه و آله و سلم تمام شب را در عبادت پروردگارش از ذکر و قرائت و نماز و آمادگی برای آن و سحری و غیره زنده می‌داشت، و با این کار، بین این حدیث و آنچه در صحیح مسلم از عایشه رضی الله عنها روایت شده است جمع

می‌شود که گفت: ندیده‌ام که او صلی الله علیه و آله و سلم شبی را تا صبح به پا داشته باشد،^۱ زیرا زنده داشتن شب که در دهه آخر رمضان ثابت شده است، با نماز و انواع دیگر عبادت است و آنچه او نفی کرده است، زنده داشتن شب فقط با نماز است، و خداوند داناتر است.

از دیگر شواهد نشان دهنده فضیلت دهه آخر رمضان این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سبب توجه بسیارشان به بهره‌مندی از این شب‌های مبارک با انواع عبادت، خانواده‌اش را برای نماز و ذکر بیدار می‌کرد، زیرا این شب‌ها فرصت عمر و غنیمت برای کسی است که خداوند عزوجل او را توفیق دهد، و شایسته نیست که مؤمن عاقل خود و خانواده‌اش را از این فرصت گرانبها محروم کند،

۱- به روایت مسلم: کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب جامع صلاة اللیل (۷۴۶).

مجلس بیست و یکم: درباره فضیلت دهه پایانی رمضان

زیرا این شب‌ها فقط شب‌های معدودی هستند که شاید انسان در آن‌ها نسیمی از نسیم‌های الهی را دریابد و سعادت دنیا و آخرت را از این طریق به دست آورد.

قطعا این محرومیتی بزرگ و زیانی فاحش است که بسیاری از مسلمانان را می‌بینی که این اوقات گرانبها را در آنچه برایشان سودی ندارد، می‌گذرانند. بیشتر شب را در لهو و لعب بیدار می‌مانند، و چون وقت قیام فرا می‌رسد، می‌خوابند و خود را از خیر فراوانی محروم می‌کنند که شاید بعد از این سال هرگز آن را درک نکنند.

این از بازی شیطان و مکر او با آنان و بازداشتن از راه خدا و گمراه کردن آنان است، خداوند متعال می‌فرماید: **إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ** [حج: ۴۲] (بی‌گمان تو هیچ گونه تسلط و قدرتی بر بندگان من نداری، مگر آن گمراهانی که [به وسوسه تو گوش فرا بدهند و] به دنبال تو راه بیفتند). و عاقل وقتی

می‌داند شیطان دشمن اوست او را به جای خدا به دوستی نمی‌گیرد، زیرا این با عقل و ایمان منافات دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

{أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ

بَدَلًا} [کهف: ۵۰] (آیا او و فرزندانش را با وجود این که ایشان دشمنان

شمایند، به جای من سرپرست و مددکار خود می‌گیرید؟! ستمکاران

چه عوض بدی دارند!). و می‌فرماید: **{إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ**

عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ} [فاطر: ۶] (بی‌گمان

شیطان دشمن شماست، پس شما هم او را دشمن بدانید. او پیروان

خود را فرا می‌خواند تا از ساکنان آتش سوزان جهنم شوند).

از ویژگی‌های این دهه این است که پیامبر صلی الله علیه و سلم در آن

اعتکاف می‌کرد، و اعتکاف: ماندن در مسجد با هدف طاعت خداوند

عزوجل است که یکی از سنت‌های ثابت در کتاب خدا و سنت

رسولش صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می‌رود. خداوند عزوجل

مجلس بیست و یکم: درباره فضیلت دهه پایانی رمضان

می‌فرماید: **قَوْلًا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ** [بقره: ۱۸۷]

(و در حالی که در مساجد معتکف هستید، با زنان آمیزش نکنید).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعتکاف کرد و صحابه با او و بعد از او اعتکاف کردند. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دهه اول رمضان را اعتکاف کرد، سپس دهه وسط را اعتکاف کرد، سپس فرمود: «**من دهه اول را اعتکاف کردم تا این شب (شب قدر) را دریابم، سپس دهه وسط را اعتکاف کردم، سپس به من گفته شد: شب قدر در دهه آخر است، پس هر کس از شما دوست دارد اعتکاف کند، اعتکاف کند**». به روایت مسلم.^۱

۱- به روایت مسلم: کتاب الصیام، باب فضل ليلة القدر (۱۱۶۷).

در صحیحین از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا وفاتش دهه پایانی رمضان را اعتکاف می‌کرد. سپس همسرانش پس از او اعتکاف کردند.^۱ و در صحیح بخاری نیز از او روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هر رمضان ده روز اعتکاف می‌کرد. و در سالی که در آن وفات کرد، بیست روز اعتکاف نمود.^۲ و از انس رضی الله عنه روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دهه آخر رمضان را اعتکاف می‌کرد، و سالی اعتکاف نکرد، و در سال بعد بیست

۱- به روایت بخاری: کتاب الاعتکاف، باب الاعتکاف فی العشر الأواخر (۲۰۲۶)، و

مسلم: کتاب الاعتکاف، باب اعتکاف العشر الأواخر من رمضان (۱۱۷۲).

۲- به روایت بخاری: کتاب الاعتکاف، باب الاعتکاف فی العشر الأوسط من رمضان

(۲۰۴۴).

مجلس بیست و یکم: درباره فضیلت دهه پایانی رمضان

روز اعتکاف نمود. به روایت احمد و ترمذی و او آن را صحیح دانسته است.^۱

و از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه می‌خواست اعتکاف کند، نماز صبح را می‌خواند، سپس به محل اعتکافش وارد می‌شد، عایشه از او اجازه خواست، و او اجازه داد، و او خیمه‌ای برپا کرد، و حفصه از عایشه خواست که برای او اجازه بگیرد، و او چنین کرد، و خیمه‌ای برپا نمود، و چون زینب این را دید، دستور داد خیمه‌ای برای او برپا کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی خیمه‌ها را دید، فرمود: «این چیست؟» گفتند: خیمه‌های عایشه و حفصه و زینب است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آیا با این کار قصد نیکی داشتند؟»

۱- به روایت احمد (۱۰۴/۳) و ترمذی: کتاب الصوم، باب ما جاء فی الاعتکاف إذا خرج منه (۸۰۳).

آن‌ها را بردارید، پس از این آنها را نبینم». پس خیمه‌ها برداشته شدند و او در آن رمضان اعتکاف نکرد و در دههٔ اول شوال اعتکاف نمود به نقل از بخاری و مسلم در روایات مختلف.^۱

و امام احمد بن حنبل رحمه الله فرمود: من از هیچ یک از علما اختلافی در اینکه اعتکاف سنت است، ندیده‌ام.^۲

مقصود از اعتکاف جدا شدن انسان از مردم برای فارغ شدن از امور دنیوی و پرداختن به طاعت خداوند در مسجدی از مساجدش در طلب فضل و ثواب او و درک شب قدر است. بنابراین، سزاوار است که معتکف به ذکر و قرائت و نماز و عبادت مشغول شود، و از سخنان

۱- به روایت بخاری: کتاب الاعتکاف، باب من أراد أن يعتكف ثم بدا له أن يخرج (۲۰۴۵)، و مسلم: کتاب الاعتکاف، باب متى يدخل من أراد الاعتکاف فی معتکفه (۱۱۷۲).

۲- نگا: المغنی (۳/ ۱۲۲).

بیهوده دنیا دوری کند، و اشکالی ندارد که اندکی با خانواده یا دیگران به سخنان مباح پردازد، به دلیل حدیث صفیه ام المؤمنین رضی الله عنها که گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حال اعتکاف بود، من شبانه به دیدارش رفتم و با او سخن گفتم، سپس برخاستم تا برگردم (یعنی به خانه ام بروم)، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز با من برخاست». متفق علیه.^۱

بر معتکف آمیزش و مقدمات آن مانند بوسیدن و لمس شهوت آمیز حرام است، به دلیل قول خداوند متعال: **لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ** [بقره: ۱۸۷] (و در حالی که در مساجد معتکف هستید، با زنان آمیزش نکنید).

۱- به روایت بخاری: کتاب بدء الخلق، باب صفة إبليس وجنوده (۳۲۱۸).

و اما خروج او از مسجد، اگر با قسمتی از بدنش باشد، اشکالی ندارد، به دلیل حدیث عایشه رضی الله عنها که گفت: «پیامبر صلی الله علیه و سلم سرش را از مسجد بیرون می آورد در حالی که معتکف بود، و من در حالی که در عادت ماهیانه بودم، آن را می شستم». به روایت بخاری.^۱ و در روایتی: «او در حالی که در عادت ماهیانه بود، موی سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شانه می کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد معتکف بود و او در حجره اش بود و سرش را بیرون می آورد [تا ام المؤمنین عایشه موهایش را شانه کند]».^۲

و اگر خروج او با تمام بدنش باشد، بر سه نوع است:

۱- به روایت بخاری: کتاب الحيض، باب مباشرة الحائض (۳۰۱).

۲- به روایت بخاری: کتاب الاعتكاف، باب المعتكف يدخل رأسه البيت للغسل (۲۰۴۶).

اول: خروج برای امری ضروری از نظر طبع یا شرع مانند قضای حاجت و وضوی واجب و غسل واجب برای جنابت یا غیر آن و خوردن و آشامیدن، این در صورتی که انجام آن در مسجد ممکن نباشد جایز است، و اگر انجام آن در مسجد ممکن باشد، جایز نیست. مانند اینکه در مسجد دستشویی وجود داشته باشد که بتواند حاجتش را در آن قضا کند و غسل کند، یا کسی باشد که برای او خوردنی و آشامیدنی بیاورد، در این صورت به دلیل عدم نیاز، نباید خارج شود.

دوم: خروج برای طاعتی که بر او واجب نیست مانند عیادت بیمار و حضور در تشییع جنازه و مانند آن، این کار را انجام ندهد مگر اینکه در ابتدای اعتکافش شرط کند، مانند اینکه بیماری داشته باشد که دوست دارد از او عیادت کند یا بترسد از مرگ او، پس در ابتدای اعتکافش خروج برای این کار را شرط می‌کند، در این صورت اشکالی ندارد.

سوم: خروج برای امری که با اعتکاف منافات دارد مانند خروج برای خرید و فروش و آمیزش با همسر و لمس او و مانند آن، این کار را انجام ندهد نه با شرط و نه بدون شرط، زیرا با اعتکاف منافات دارد و با مقصود از آن در تضاد است.

از ویژگی‌های این دهه این است که در آن شب قدر است که از هزار ماه بهتر است، پس خدایتان رحمت کند، قدر این دهه را بدانید و آن را ضایع نسازید، زیرا وقت آن گرانها و خیر آن آشکار و روشن است.

خداوندا، ما را به آنچه صلاح دین و دنیای ما در آن است، توفیق ده، و عاقبت ما را نیکو گردان و جایگاه ما را گرمی دار، و ما و پدر و مادرانمان و تمام مسلمانان را به رحمت خودت ای مهربان‌ترین مهربانان، ببخشای، و درود و سلام خدا بر پیامبر ما محمد و خاندان و یارانش باد.

مجلس بیست و یکم: دربارهٔ فضیلت دههٔ پایانی رمضان



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies